

صبح امروز

شماره
۱۱
۶
۱۴۰۳بحران‌های اجتماعی
در سایه ناکارآمدی یارانه نقدی

۷

ناصر ایمانی:

اگر امنیت در کشور رعایت نشود، خطر تجزیه وجود دارد

۲

گزارش

روایت شکست سیاست‌های پولی در بازار سکه:

از حراج قابهران



یک کارشناس مسائل اقتصادی می‌گوید: حباب سکه تابع سه پارامتر اصلی است؛ یکی انتظارات است که در نرخ ارز و تورم خود را نشان می‌دهد، دومی ریسک سیاسی و نااطمینانی است و سومین پارامتر هم محدودیت‌های

کانال‌های نقل و انتقال ارزی واردات و سرمایه‌گذاری‌هاست که ما در این سه حوزه با چالش‌های جدی مواجه هستیم. اثر پیش‌فروش سکه می‌تواند روی گزینه اول و سوم قدری اثر بگذارد، اما ریسک‌های سیاسی و نااطمینانی را اصلاً پوشش نمی‌دهد؛ ...

گزارش

هشدارها و فرصت‌ها در عصر هوش مصنوعی:

آینده هنر زیر سایه الگوریتم‌ها خواهد بود؟



به گزارش روزنامه «صبح امروز» و به نقل از خبرآنلاین؛ در سال‌های اخیر، نفوذ روزافزون هوش مصنوعی به حوزه‌های مختلف فرهنگ و هنر، پرسش‌های جدی درباره آینده مشاغل خلاق و سنتی ایجاد کرده است. از تولید تصویر و صدا در سینما گرفته تا ترجمه و نشر کتاب، فناوری‌های هوشمند با سرعتی شگفت‌انگیز در حال تغییر روش‌های کار و تولید محتوا هستند.



استاندار خراسان رضوی:

تاسیس شهرداری منطقه «توس» ضروری است

اولویت سه‌گانه جنگ تجاری، منازعه اوکراین و برنامه صلح آمیز هسته‌ای ایران

مانور قدرت شانگهای در کوران هیاهوی ترامپ

سال ۲۰۰۱ میلادی است که طی آن سه موضوع مهم جنگ تجاری ایالات متحده با چین و هند، جنگ در اوکراین، مناقشه هسته‌ای ایران در کنار دیگر موضوعات بررسی می‌شود.

شی جین پینگ، رئیس‌جمهور چین، میزبان رهبران چندین کشور هدف تحریم‌های غرب، از جمله کره شمالی، ایران، میانمار و بلاروس، در اجلاس سازمان همکاری شانگهای است و نارندرا مودی، نخست‌وزیر هند، پس از غیبت در جلسه سال

سازمان همکاری شانگهای ده کشور عضو و ۱۶ کشور ناظر یا شریک را گرد هم آورده و تقریباً نیمی از جمعیت جهان و سهم قابل توجهی از تولید ناخالص داخلی جهانی را نمایندگی می‌کند. این سازمان اغلب به عنوان وزنه تعادلی در برابر ناتو معرفی می‌شود.

سازمان همکاری شانگهای در حالی که بحران‌های متعددی اعضای خود را تحت تأثیر قرار داده، امروز و فردا چین میزبان بزرگترین اجلاس شانگهای از زمان تاسیس آن در

گذشته، نیز در این جلسه شرکت می‌کند.

روابط هند و ایالات متحده در این ماه پس از آنکه دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، تعرفه ۵۰ درصدی بر کالاهای هندی به دلیل خرید نفت روسیه اعمال کرد، به پایین‌ترین حد خود رسیده است؛ هم‌چنین در مراسم رژه چین، علاوه بر رهبر روسیه و کی‌م جونگ اون، رهبر کره شمالی، رابرت فیگو، نخست‌وزیر اسلواکی و الکساندر ووچیک، رئیس‌جمهوری صربستان نیز حضور

خواهند داشت.

ولادیمیر پوتین که شنبه شب به چین رفته، انتظار می‌رود تقریباً یک هفته در این کشور بماند؛ سفری که برای رهبر روسیه به طور غیرمعمولی طولانی است. وی ضمن شرکت در اجلاس سازمان همکاری شانگهای با شی جین پینگ مذاکره خواهد کرد و در رژه نظامی روز پیروزی در پکن به مناسبت هشتادمین سالگرد شکست ژاپن در جنگ جهانی دوم شرکت خواهد کرد، ...

گزارش

انتقاد از انفعال وزارت کار:

پدیده تعدیل گسترده کارگران



عضو پیشین کمیته دستمزد شورای عالی کار معتقد است، میدری پیش از این یک تئوریسین بود ولی امروز به نظر می‌رسد در اجرای نظریه‌اش در عمل، دچار مشکل شده و ناتوان است.

به گزارش روزنامه «صبح امروز» و به نقل از خبرآنلاین؛ جنگ ۱۲ روزه موجب افزایش چشمگیر نرخ تورم شده است به نحوی که در گزارش‌های مربوط به تورم مرکز آمار به سرعت این جهش قیمتی خود را نشان داد. گزارش‌های رسمی نشان می‌دهند که بیشترین فشار تورمی بر اقلامی است ...

اگر امنیت در کشور رعایت نشود، خطر تجزیه وجود دارد

ناصر ایمانی



Amirali Moezi

ناصر ایمانی، فعال سیاسی اصولگرا با اشاره به رخدادهای جنگ ۱۲ روزه گفت: نفوذ در تمام ارکان وجود دارد، اما برخی از آن‌ها سریع‌تر دیده می‌شوند و برخی دیگر در مراکز اقتصادی، فرهنگی و سیاسی کشور، به سختی قابل مشاهده هستند.

علیرضا نجمی؛ مسئله «نفوذ» سال‌هاست به‌عنوان یکی از کلیدی‌ترین تهدیدات مطرح می‌شود. شاید کمتر کسی گمان می‌کرد ابعاد آن تا این اندازه گسترده و خطرناک باشد. ابعاد نفوذ را در جنگ ۱۲ روزه مشاهده کردیم؛ به همین دلیل چند روز اخیر علی لاریجانی دبیر شورای عالی امنیت ملی درباره نفوذ گفته: «مسئله نفوذ بسیار جدی است.»

اکنون در سایه جنگ ۱۲ روزه اخیر، نشانه‌های عینی این هشدار بیش از پیش آشکار شده است. گزارش‌ها و تحلیل‌ها نشان می‌دهد که ردپای نفوذ در لایه‌های بالای مدیریت و حتی در برخی مراکز حساس به وضوح قابل مشاهده است. این موضوع تلخ نشان می‌دهد که مفهوم «نفوذ» دیگر یک هشدار سیاسی نیست، بلکه به معضلی هزینه ساز و خلاف امنیت ملی بدل شده است. تجربه جنگ اخیر بار دیگر ثابت کرد که اگر در برابر نفوذ، سازوکارهای پیشگیرانه و مقابله‌ای جدی صورت نگیرد، امنیت ملی نه فقط از مرزها، بلکه از عمق ساختارهای مدیریتی با تهدید روبه‌رو خواهد شد.

ناصر ایمانی، فعال سیاسی اصولگرا، در گفت‌وگو با خبرنگاران درباره این موضوع گفت: در مورد زمان شکل‌گیری این نفوذ نمی‌توان با قطعیت صحبت کرد زیرا اطلاعات کافی در دسترس نیست، اما می‌توان گفت عواملی مانند عدم حساسیت کافی نهادهای نظارتی و توجه ناکافی ارکان حکومتی به رعایت مسائل امنیتی، زمینه را برای رشد نفوذ فراهم کرده است.

واکنش عجیب عبدالله گنجی به بیانیه جبهه اصلاحات؛ این بیانیه ذیل راهبردی موساد است/دوبار کل بیانیه را خواندم، ادبیاتش شبیه ادبیات تاجزاده و همسرش هست!

روایت لاریجانی از تغییر روحیه نتانیاهو در گفت‌وگو با یکی از کشورهای منطقه در روز اول و آخر جنگ با ایران/ مسئله نفوذ دشمن در داخل ایران جدی است

جهانگیری: نفوذ، بزرگ‌ترین ضعف ما در جنگ اخیر بود/ باید مشخص شود چه کسی خبر جلسه شورای عالی امنیت ملی را فاش کرد وی افزود: «در میان برخی از سیاسیون کشور نظریه‌ای وجود دارد که معتقدند

متأسفانه، حتی پس از جنگ ۱۲ روزه هم هیچ اقدامی برای شناسایی عامل اصلی و منشا نفوذ انجام نشده است و این موضوع نشان می‌دهد که هنوز بسیاری از نقاط ضعف امنیتی آشکار نشده است.»

وی گفت: «نمی‌توان گفت که همه سیاستمداران کشور مصون از نفوذ هستند. نفوذ ممکن است به شکل تحریک افراد برای اقدامات ضد دولت، انتشار بیانیه‌هایی که منافع دشمن خارجی را تأمین می‌کند یا ارائه آدرس‌های غلط سیاسی باشد. حتی زمانی که گفته می‌شود نفوذ فقط در یک جناح خاص وجود دارد، این خود یکی از شاخص‌های نفوذ است.»

ایمانی درباره نفوذ در سطح بالای کشور گفت: «در جنگ ۱۲ روزه نفوذ تا سطوح بالای فرماندهی نیز رسیده بود. برخی از فرماندهان در مقرهای خود یا حتی در منازلشان به دلیل شناسایی‌های الکترونیک، سایبری و اطلاعاتی، به راحتی هدف قرار گرفتند. این نشان می‌دهد که نفوذ تا چه حد گسترده و سازماندهی شده بوده است.»

ترور شهید فخری زاده بسیار مدرن بود

فعال سیاسی اصولگرا درباره ترور شهید فخری زاده افزود: «ترور شهید فخری زاده یک ترور بسیار متمایز و مدرن بود و می‌بایست مسئولان را نسبت به نفوذ جدی بیدار می‌کرد.»

۱۱/۱۳ | اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک مشهد ناحیه یک هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی. برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۶۰۳۰۰۴۳۶ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مشهد ناحیه یک تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم کبری سرابندی فرزند محمدعلی بشماره شناسنامه ۹۹۱ صادره از هامون در شش‌دانگ یک باب ساختمان به مساحت ۷۶/۷۰ متر مربع قسمتی از پلاک ۳۳۴ فرعی از ۲۲۷ اصلی بخش ۹ واقع در مشهد چمن ۵۹ صدوقی ۱۸ داخل کوچه بن بست پلاک ۴۵۴ خریداری از مالک رسمی آقای محمد تقی رضازاده محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۵/۲۷. تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۶/۱۱ م.الف/۷۱۷۹

هادی نیکو فکر- رئیس ثبت اسناد و املاک منطقه یک مشهد چناران

۱۱/۱۳ | اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک چناران هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی. برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۶۰۹۰۰۰۸۱۵ مورخه ۱۴۰۳/۰۸/۰۶ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک چناران تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم الناز جبلی فرزند ناصر به شماره شناسنامه ۷۵۲ صادره از مشهد در شش‌دانگ یک باب ساختمان به مساحت ۲۴۸۵/۱۰ متر مربع پلاک ۱۸۷ فرعی از ۵- اصلی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۵/۲۷. تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۶/۱۱ م.الف/۴۳۰

سید محمد باقر حسینی جهانگیر- رئیس ثبت اسناد و املاک چناران

۱۱/۱۳ | اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک مشهد ناحیه یک هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی. برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۶۰۳۰۰۳۲۳ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مشهد ناحیه یک تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای محسن سروری مفرد فرزند حسین بشماره شناسنامه ۶۹۲۲ صادره مشهد در یک باب ساختمان به مساحت ۲۲/۲۰ متر مربع قسمتی از پلاک ۶ فرعی از ۲۲۶۴ اصلی بخش دو مشهد (در راستای استاندارد سازی پلاک ۲۳۶۲ الی ۲۳۶۴ اصلی به فرعی از ۲۳۶۴ اصلی تبدیل شده است) واقع در پنج راه کوچه عباسقلی خان کوچه مسگرها پلاک ۹۳ خریداری از مالک رسمی مالکیت مشاعی متقاضی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۵/۲۷. تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۶/۱۱ م.الف/۷۰۸۳

هادی نیکو فر- رئیس ثبت اسناد و املاک منطقه یک مشهد

را امنیت قرار داده است. حتی پروژه‌های اقتصادی هم ابتدا از منظر امنیت بررسی می‌شوند. سیستم امنیتی این کشور بسیار پیچیده و پیشرفته است و برخی تحلیلگران معتقدند که از سیستم اطلاعاتی آمریکا و انگلستان هم در برخی جنبه‌ها پیشرفته‌تر است. کشورهایی مانند اردن و مصر نیز استراتژی امنیتی خود را در اولویت قرار داده‌اند و این موضوع در چینش افراد و اجرای پروژه‌ها تأثیر مستقیم دارد.»

ناصر ایمانی درباره امنیت فعلی کشور گفت: «در کشور ما نیز باید مشخص شود که امنیت تا چه حد باید اولویت داشته باشد و این موضوع شامل چینش افراد، دسترسی‌ها به نهادهای حکومتی و رعایت مسائل امنیتی در پروژه‌های اقتصادی می‌شود. این مسئله هیچ ارتباطی با محدود کردن آزادی بیان یا مطبوعات ندارد؛ این یک بحث جداگانه است.»

ترور های اخیر نشان داد مسائل امنیتی در کشور ما اهمیت کافی را ندارد

ناصر ایمانی فعال سیاسی اصولگرا ادامه داد: «این ترورها و حملات نشان داد که مسائل امنیتی در کشور ما اهمیت کافی ندارد و به همین دلیل نفوذ تا این حد گسترده شده است. در طول جنگ ۱۲ روزه، دشمن حتی در شهرستان‌های دورافتاده که اهمیت نظامی چندانی ندارند، پایگاه عملیاتی ایجاد کرده بود و این نشان‌دهنده گستردگی نفوذ است. در واقع ما در این مدت در دو جبهه می‌جنگیدیم؛ یک جبهه داخلی و یک جبهه خارجی، که عملیات رژیم صهیونیستی و آمریکا بود، اما آسیب عمده از جبهه داخلی وارد شد، زیرا مسائل امنیتی رها شده بود.»

وی افزود: «با این شرایط، برخی می‌گویند کشور نباید امنیتی شود، اما اگر امنیت در کشور رعایت نشود و با وضعیت منطقه‌ای ما مقایسه شود، کشور به خطر می‌افتد و حتی ممکن است تجزیه شود. ما هنوز به اندازه کافی پیشرفته نیستیم که بتوانیم بدون توجه کامل به امنیت، از شکل‌گیری نفوذ جلوگیری کنیم. بنابراین لازم است استراتژی مشخصی در نظام تعریف شود تا مشخص شود مسائل امنیتی و جلوگیری از نفوذ تا چه حد برای اداره کشور جدی است.»

وی در پایان تصریح کرد: «تاکید می‌کنم این موضوع هیچ ارتباطی با آزادی بیان یا آزادی‌های سیاسی ندارد. اگر امنیت برای ما واقعا مهم باشد، می‌توانیم برنامه‌ریزی دقیق و کامل برای آن داشته باشیم.»

۱۱/۱۳ | اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک مشهد ناحیه یک هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی. برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۶۰۳۰۰۴۳۶ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مشهد ناحیه یک تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم کبری سرابندی فرزند محمدعلی بشماره شناسنامه ۹۹۱ صادره از هامون در شش‌دانگ یک باب ساختمان به مساحت ۷۶/۷۰ متر مربع قسمتی از پلاک ۳۳۴ فرعی از ۲۲۷ اصلی بخش ۹ واقع در مشهد چمن ۵۹ صدوقی ۱۸ داخل کوچه بن بست پلاک ۴۵۴ خریداری از مالک رسمی آقای محمد تقی رضازاده محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۵/۲۷. تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۶/۱۱ م.الف/۷۱۷۹

هادی نیکو فکر- رئیس ثبت اسناد و املاک منطقه یک مشهد چناران

مانور قدرت شانگهای در کوران هیاهوی ترامپ

علی بمان اقبالی زارچ

سازمان همکاری شانگهای ده کشور عضو و ۱۶ کشور ناظر یا شریک را گرد هم آورده و تقریباً نیمی از جمعیت جهان و سهم قابل توجهی از تولید ناخالص داخلی جهانی را نمایندگی می کند. این سازمان اغلب به عنوان وزنه تعادلی در برابر ناتو معرفی می شود.

سازمان همکاری شانگهای در حالی که بحران های متعددی اعضای خود را تحت تاثیر قرار داده، امروز و فردا چین میزبان بزرگترین اجلاس شانگهای از زمان تأسیس آن در سال ۲۰۰۱ میلادی است که طی آن سه موضوع مهم جنگ تجاری ایالات متحده با چین و هند، جنگ در اوکراین، مناقشه هسته ای ایران در کنار دیگر موضوعات بررسی می شود.

شی جین پینگ، رئیس جمهور چین، میزبان رهبران چندین کشور هدف تحریم های غرب، از جمله کره شمالی، ایران، میانمار و بلاروس، در اجلاس سازمان همکاری شانگهای است و نارندرا مودی، نخست وزیر هند، پس از غیبت در جلسه سال گذشته، نیز در این جلسه شرکت می کند.

روابط هند و ایالات متحده در این ماه پس از آنکه دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا، تعرفه ۵۰ درصدی بر کالاهای هندی به دلیل خرید نفت روسیه اعمال کرد، به پایین ترین حد خود رسیده است؛ هم چنین در مراسم رژه چین، علاوه بر رهبر روسیه و کیم جونگ اون، رهبر کره شمالی، رابرت فیکو، نخست وزیر اسلواکی و الکساندر ووچیک، رئیس جمهوری صربستان نیز حضور خواهند داشت.

ولادیمیر پوتین که شنبه شب به چین رفته، انتظار می رود تقریباً یک هفته در این کشور بماند؛ سفری که برای رهبر روسیه به طور غیرمعمولی طولانی است، وی ضمن شرکت در

اجلاس سازمان همکاری شانگهای با شی جین پینگ مذاکره خواهد کرد و در رژه نظامی روز پیروزی در پکن به مناسبت هشتادمین سالگرد شکست ژاپن در جنگ جهانی دوم شرکت خواهد کرد، جایی که قرار است پوتین به همراه کیم جونگ اون، رهبر کره شمالی و رهبران ایران و کوبا، مهمان اصلی باشند.

رئیس کاخ کرملین همچنین روز دوشنبه در مورد درگیری در اوکراین با همتای ترکیه ای خود و موضوع هسته ای ایران با رئیس جمهور پزشکیان گفت و گو کند. روسیه در سال های اخیر توجه ویژه ای به سازمان های منطقه ای رو به رشد کرده و بر تمام مزایایی که سازمان همکاری شانگهای در صحنه جهانی بزرگ می دهد و به حمایت دومین اقتصاد بزرگ جهان نیاز دارد؛ تاکید ویژه دارد؛ پوتین همچنین می خواهد هند را به سمت خود سوق دهد به طوری که اختلافات تجاری هند با ایالات متحده کاهش تعاملات دهلی و مسکو را موجب نشود. در همین رابطه آقای پوتین قبل از ترک مسکو گفت که مسکو و پکن موضع مشترکی علیه تحریم های تبعیض آمیز که مانع



توسعه اجتماعی - اقتصادی اعضای بریکس و کل جهان می شود، اتخاذ کرده اند.

به نظر می رسد موضوع اصلی دستور کار دیدار شی و پوتین هماهنگ کردن مواضع در مورد جنگ اوکراین، در بحبوحه تلاش های ایالات متحده برای پایان دادن به جنگ، خواهد بود. مسکو می خواهد بداند که آیا می تواند انتظار کمک بیشتری از چین داشته باشد و اگر ایالات متحده از پکن بخواهد که روسیه را برای پایان دادن به جنگ تحت فشار قرار دهد، پکن چگونه واکنش نشان خواهد داد. پوتین می خواهد دیدگاه های خود را ارائه و مطمئن شود دو طرف در یک راستا هستند زیرا این جنگ به یکی از ارکان اصلی روابط آنها تبدیل شده است. بر کسی پوشیده نیست که چین در طول جنگ اوکراین به یک شریک اقتصادی برای روسیه تبدیل شده و کی یف به طور فزاینده ای در مورد آنچه حمایت مستقیم چین از تلاش های جنگی مسکو می نامد، صریح بوده است.

در حال حاضر تجارت دوجانبه به بیش از ۲۴۰ میلیارد دلار افزایش یافته که چهار برابر بیشتر از قبل از حمله به اوکراین در سال ۲۰۲۲

است و پکن اکنون بزرگترین خریدار نفت و زغال سنگ روسیه است و به زودی از اروپا به عنوان بازار اصلی گاز طبیعی مسکو پیشی خواهد گرفت. به طور خاص، انتظار می رود دو طرف در مورد خط لوله گاز قدرت سیبری-۲ که مدت ها است پیشنهاد شده و برنامه هایی برای گسترش خط لوله نفت موجود به چین، بحث کنند. این مذاکرات همچنین احتمالاً به تعمیق همکاری نظامی بین پکن و مسکو می پردازد، تحولی که دولت های غربی را نگران کرده است. موضوع مهم این که چین ادعا می کند که در جنگ اوکراین میانجی بی طرفی است، اما از زمان آغاز تهاجم، روابط دو کشور نزدیک تر شده و در حالی که چین می گوید کمک نظامی مستقیمی ارائه نکرده است، مقامات آمریکایی می گویند پکن حدود ۷۰ درصد از ماشین آلات و ۹۰ درصد از نیمه رساناهایی را که روسیه برای بازسازی ماشین جنگی خود نیاز دارد، تأمین کرده است و در عوض چین در زمینه فناوری های حساس دفاعی کمک دریافت می کند.

سفر پوتین در حالیست که از طرفی فریدریش مرز، صدراعظم آلمان، روز شنبه گفت که انتظار دارد روسیه جنگ علیه اوکراین را متوقف کند، زیرا دیگر نمی تواند به دلایل اقتصادی و نظامی جنگ را ادامه دهد البته که تلاش های دیپلماتیک در هفته های اخیر شکست خورده است. وی در یک رویداد منطقه ای محافظه کاران در ایالت نوردراین-وستفالن افزود تمام تلاش ها در هفته های اخیر با رویکردی تهاجمی تر از سوی این رژیم در مسکو علیه مردم اوکراین روبه رو شده است و این جنگ تا زمانی که با هم مطمئن نشویم که روسیه، حداقل به دلایل اقتصادی و شاید هم به دلایل نظامی، نمی تواند به این جنگ ادامه دهد، متوقف نخواهد شد.

از طرفی روز شنبه، ژنرال والرئ گراسیموف،

رئیس ستاد کل روسیه، گفت که نیروهایش تقریباً در تمام خط مقدم در حالت تهاجمی دائمی هستند و آنها ابتکار عمل استراتژیک را در دست دارند هم زمان روسیه از تابستان امسال حملات هوایی خود را به شهرهایی بسیار فراتر از خط مقدم تشدید کرده است. موضوع مهم این که تلاش های دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا، برای دستیابی به یک توافق دیپلماتیک برای این درگیری که اکنون در چهارمین سال خود است، تاکنون شکست خورده است و متحدان اروپایی او، از جمله آلمان، تحریم های اقتصادی شدیدتر علیه مسکو را خواستار هستند

در همین حال، چندین وزیر امور خارجه اتحادیه اروپا روز شنبه از ایالات متحده خواستند تا با اروپا همکاری کند تا پوتین را برای مذاکره برای پایان دادن به جنگ اوکراین قبل از مهلت تعیین شده توسط دونالد ترامپ تحت فشار قرار دهد.

به نظر می رسد اجلاس سازمان همکاری شانگهای که بزرگترین از نوع خود از زمان ایجاد است، فرصتی مهم برای کنشگری و رایزنی رهبران حاضر در اجلاس به ویژه پنج گانه روسای جمهوری ایران، چین، روسیه، هند و ترکیه باشد که هر کدام اهداف خاص خود را دنبال می کنند. به طور طبیعی دکتر پزشکیان از این فرصت برای تعمیق روابط دوستانه با روسای جمهوری مذکور و همچنین دیگر روسای جمهوری شرکت کننده استفاده خواهد کرد و رایزنی در موضوعات مهم به ویژه برنامه صلح آمیز هسته ای کشورمان، فعال سازی مکانیسم ماشه و تحریم های غیرقانونی غرب در کنار تقویت روابط همه جانبه با کشورهای عضو شانگهای خصوصاً پکن که دارای روابط سیاسی و اقتصادی قابل توجه با تهران است نقش مهمی خواهد داشت.

روز مبارزه با تروریسم؛

بازاندیشی در راهبردهای مقابله با افراط گرایی نوین

محمد مهدی ملکی

روز مبارزه با تروریسم، تنها یک مناسبت تقویمی نیست، بلکه فرصتی است برای بازاندیشی در یکی از عمیق ترین و در عین حال پیچیده ترین تهدیدهایی که امنیت، توسعه و انسجام اجتماعی در جهان معاصر را به چالش کشیده است. اگر در گذشته تروریسم بیشتر در قالب گروه های مسلح سنتی و با حضور در جغرافیایی مشخص شناخته می شد، امروز با پدیده های مواجهیم که به مراتب سیال تر، چندلایه تر و سخت تر قابل کنترل است. تحولات فناوری، تغییرات سیاسی و اجتماعی و همچنین بحران های منطقه ای، شکل و شمایل جدیدی به این تهدید داده اند؛ تهدیدی که از مرزهای فیزیکی عبور کرده و به لایه های اقتصادی، فرهنگی و دیجیتال نیز گسترش یافته است.

در سال های اخیر، به ویژه در منطقه غرب آسیا، ظهور و بازتولید گروه های افراطی یکی از مهم ترین نگرانی های دولت ها و ملت ها بوده است. بسیاری از این گروه ها نه تنها به دلیل بهره گیری از ایدئولوژی های افراط گرایی و خشونت طلبانه خطر ساز شده اند، بلکه به واسطه بهره گیری از خلا های سیاسی و اجتماعی توانسته اند نفوذ خود را در میان اقشار محروم و حاشیه نشین افزایش دهند. این مسئله بار دیگر یادآور این حقیقت است که ریشه های اصلی تروریسم و افراط گرایی در ساختارهای ناکارآمد سیاسی و اجتماعی نهفته است.

یکی از مهم ترین بسترهای شکل گیری افراط گرایی، فقر و محرومیت اقتصادی است. مناطقی که از توسعه محروم مانده اند، بستر

مناسبی برای جذب نیروهای جوان به گروه های تروریستی فراهم می کنند. نبود فرصت های شغلی، ضعف نظام آموزشی و نبود چشم انداز روشن برای آینده، جوانان را در برابر شعارهای افراطی آسیب پذیر می کند. اما واقعیت این است که صرفاً فقر به تنهایی توضیح دهنده این پدیده نیست؛ تبعیض، نابرابری اجتماعی، بی عدالتی و احساس محرومیت نسبی نیز نقشی اساسی در سوق دادن افراد به سمت جریان های خشونت طلب دارد.

از سوی دیگر، بحران های سیاسی و بی ثباتی حکومتی، در بسیاری از کشورها زمینه ساز تقویت افراط گرایی شده است. زمانی که حکومت ها در تأمین امنیت، خدمات عمومی و مشارکت سیاسی ناکام می مانند، خلأ قدرت ایجاد می شود و گروه های افراطی می توانند با وعده عدالت و نظم، جایگزین کاذبی برای ساختارهای رسمی باشند. تجربه کشورهای که با بحران های طولانی مدت سیاسی مواجه بوده اند نشان می دهد که در غیاب یک نظام سیاسی کارآمد، تروریسم به سرعت ریشه می دواند.

یکی از مهم ترین تغییرات در الگوی فعالیت گروه های تروریستی، تحول در «روش های تأمین مالی» آنهاست. در گذشته، بخش عمده ای از منابع مالی از قاچاق نفت، مواد مخدر یا کمک های مستقیم حامیان خارجی تأمین می شد. اما امروز، این گروه ها از فناوری های نوین، رمزارزها، شبکه های مالی غیررسمی و حتی خیریه های ظاهراً قانونی برای انتقال و جابه جایی منابع استفاده می کنند.

این تغییر سبب شده است که مقابله با منابع مالی تروریسم نیازمند سازوکارهای بهروز و

همکاری های چندجانبه بین المللی باشد. دیگر نمی توان با ابزارهای سنتی و صرفاً نظارت بر مبادلات بانکی جلوی این جریان را گرفت. در شرایط کنونی، شفافیت مالی، تبادل اطلاعات میان کشورها و رصد هوشمند تراکنش ها ضرورت پیدا کرده است. بدون قطع شریان های مالی، هیچ اقدامی برای مقابله با گروه های افراطی پایدار نخواهد بود.

یکی دیگر از عرصه های مهم که تروریسم در آن قدرت گرفته، فضای مجازی است. شبکه های اجتماعی نه تنها ابزار تبلیغاتی گروه های افراطی شده اند، بلکه بستری برای جذب نیرو، آموزش های آنلاین و حتی هدایت عملیات ها هستند. گسترش محتوای خشونت طلبانه و تولید روایت های تحریف شده در فضای مجازی، نشان می دهد که مدیریت این فضا باید فراتر از حذف محتواهای تروریستی باشد.

مقابله مؤثر در این عرصه نیازمند دو راهبرد همزمان است: نخست، کنترل و محدودسازی «فعالیت های افراط گرایی» در شبکه های اجتماعی؛ و جلوگیری از سوءاستفاده گروه های تروریستی از فضای دیجیتال. دوم، تولید روایت های جایگزین، آموزش سواد رسانه ای و تقویت ظرفیت های فرهنگی و فکری در جوامع محلی تا افراد در برابر پیام های افراطی مصون شوند. در غیر این صورت، فضای مجازی همچنان به کارخانه ای برای بازتولید خشونت تبدیل خواهد شد.

یکی از حوزه هایی که کمتر مورد توجه قرار می گیرد، «جایگاه قربانیان ترور و خانواده های آنان» است. تجربه نشان داده که بی توجهی به بازتوانی روانی و اجتماعی قربانیان، زمینه های شکاف اجتماعی را گسترش می دهد و حتی



مقابله با این بحران ها ارائه دهیم.» آنچه از مجموع این تحلیل ها برمی آید، این است که تروریسم امروز صرفاً یک تهدید امنیتی نیست، بلکه پدیده ای چندوجهی است که در هم تنیدگی میان عوامل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شکل گرفته است. بنابراین راهبرد مقابله نیز باید چندلایه و جامع باشد.

برخورد نظامی و امنیتی، هر چند ضروری است، اما به تنهایی کافی نیست. این اقدامات باید با برنامه های توسعه ای در حوزه آموزش، اشتغال و خدمات اجتماعی همراه شوند. مقابله با تأمین مالی تروریسم باید در سطح جهانی و بهره گیری از فناوری های نوین مالی پیگیری شود. در فضای مجازی نیز، همزمان با حذف محتوای افراطی، تولید روایت های مثبت و امیدبخش ضروری است.

در نهایت آنکه، روز مبارزه با تروریسم در تقویم ایران یادآور این حقیقت است که امنیت پایدار تنها زمانی حاصل می شود که عدالت اجتماعی برقرار باشد، شکاف های اقتصادی و سیاسی کاهش یابد و جوامع فرصت رشد و شکوفایی پیدا کنند. نگاه تک بعدی و صرفاً امنیتی به این پدیده، تنها درمانی موقت خواهد بود. درمان واقعی در گرو نگاهی انسانی، جامع و مشارکتی است که همزمان به امنیت، توسعه و کرامت انسانی توجه کند.

نرخ واقعی دلار چه عددی است؟



رئیس اتاق بازرگانی مشترک ایران و تاجیکستان با اشاره به اینکه فعال سازی مکانیسم ماشه اثرگذاری محدودی بر اقتصاد ایران دارد گفت: هرگونه گمانه زنی درباره نرخ های غیرواقعی ارز، صرفا برای کاسبی و ایجاد التهاب در جامعه است.

به گزارش روزنامه «صبح امروز» و به نقل از خبرآنلاین، محمدحسین روشنگر، رئیس اتاق بازرگانی مشترک ایران و تاجیکستان، در تحلیل افزایش اخیر نرخ ارز تأکید کرد: اقتصاد ایران سال هاست زیر فشار تحریم ها قرار دارد و بخش عمده ضربه های آن را پشت سر گذاشته است.

او با اشاره به اینکه فعال سازی مکانیسم ماشه اثرگذاری محدودی بر اقتصاد ایران دارد یادآور شد: اگرچه ممکن است این اتفاقات بر تولید و صادرات کشور بخصوص در کوتاه مدت اثراتی داشته باشد اما این اثرات زیاد نیست و تجربه سال ها زندگی زیر تحریم باعث شده اقتصاد ایران در برابر این فشارها آبدیده شود. ایران با استفاده از فرصت ها و ظرفیت های موجود می تواند بخوبی از این تهدیدها عبور کند.

به گفته او، اتفاقات اخیر همچون بحث مکانیسم ماشه یا فضا سازی های سیاسی غرب نمی تواند بنیان اقتصاد کشور را دچار تغییر جدی کند و آنچه این روزها در بازار ارز، طلا و بورس دیده می شود بیشتر ناشی از جو روانی و هیجانات لحظه ای است.

روشنگر هشدار داد: کسانی که تحت تأثیر این فضا سازی ها اقدام به خرید و فروش هیجانی دلار، طلا یا سهام می کنند، با زیان مواجه خواهند شد.

او تأکید کرد: نرخ ارز در اقتصاد ایران جایگاه واقعی و محدوده مشخصی دارد و هر عددی خارج از این چارچوب، حبابی است که در نهایت خواهد شکست.

به باور او، حتی در صورت رفع کامل تحریم ها، قیمت ارز تنها در بازه محدودی می تواند جابه جا شود و نه سقوط شدید خواهد داشت و نه جهش ماندگار.

وی با اشاره به نقش بازارساز برای مدیریت شرایط بحرانی و ریسک های سیاسی گفت: تصمیمات اخیر بانک مرکزی، به ویژه نزدیک کردن نرخ ارز صادرکنندگان به قیمت واقعی بازار (امتیاز صادراتی)، اقدام قابل قبولی بوده و توانسته است بخش زیادی از رانت ها و تقاضاهای غیرواقعی را از بین ببرد. او معتقد است: با ادامه این سیاست، بازار ارز به سمت تعادل پیش خواهد رفت، واردات تسهیل می شود و دیگر خبری از تقاضاهای کاذب و صف های طولانی برای ارز نخواهد بود.

رئیس اتاق بازرگانی ایران و تاجیکستان با انتقاد از کسانی که از نوسانات ارزی سود می برند، گفت: این افراد همان کاسبان تحریم هستند که از فضای ملتهب و غیرشفاف منتفع می شوند. از طرفی متأسفانه عده ای از همکاران من نیز با انتشار اعداد و ارقام و پیش بینی های غیرواقعی و فضایی از نرخ ارز به دنبال برهم زدن آرامش روانی جامعه هستند.

روشنگر تأکید کرد: اقتصاد ایران ظرفیت مشخصی دارد و نه توان دلار زیر ۹۰ هزار تومان را دارد و نه تحمل دلار بالای ۱۰۰ هزار تومان را؛ بنابراین هرگونه گمانه زنی درباره نرخ های غیرواقعی، صرفا برای کاسبی و ایجاد التهاب در جامعه است. او در پایان خاطرنشان کرد: ایران باید با عقلانیت و اعتدال مسیر مذاکره و هماهنگی با جهان را دنبال کند. در عین حال، جامعه نباید در دام جوسازی ها بیفتد، بلکه با صبر و درک درست از واقعیات اقتصادی، اجازه دهد بازار مسیر طبیعی خود را طی کند.

شرایط ویژه اشتراک انبوه

روزنامه صبح امروز

برای پیک موتوری ها، باربری ها و شرکت های خدماتی

با ما تماس بگیرید:

۰۹۳۶۰۵۶۶۳۶

۰۹۱۵۲۵۶۰۰۹۱

روایت شکست سیاست های پولی در بازارسکه

از حراج تا بحران



طلا و زیورآلات زینتی است، اوراق طلائی دولتی دارد که برای جایگزینی تقاضای فیزیکی طلاست. البته آنها طلا را با عیار پایین تر مصرف می کنند ولی به لحاظ فصلی تقاضای بالایی دارند و برای پوشش آن از اوراق طلا استفاده می کنند.

از سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۲ بانک انگلستان حراج طلا داشته ولی برای تغییر ترکیب ذخایرش بوده نه مهار حراج خرده فروشی. ترکیه هم اوراق و سپرده های طلا برای جذب طلائی خانگی به نظام مالی دارد. متأسفانه ما

اگر هم چنین تجاری داریم، خودمان تخریب و محدودش کرده ایم چراکه علت رشد قیمت طلا را تشکیل بازارها می دانستند. ولی واقعیت این است که رشد قیمت طلا به دلیل ریسک های سیستماتیک ساختاری و امنیتی است. طبعاً دلالی که در ایران برای سرکوب

این بازارها استفاده و منجر به عدم توسعه اوراق طلا می شود، یک جامعه ذی نفعانی برای آن وجود دارد که منتفع می شوند. از طرفی بانک مرکزی با حجاب سکه ضرب می کند؛ یعنی وقتی به نرخ روز طلائی جهانی حساب کنید، متوجه می شوید که این بانک طلائی ۲۴ عیار را می گیرد و با عیار پایین تر ضرب می کند. این تبدیل به منبع درآمدی برای بانک مرکزی شده است در صورتی که این رفتار غیر حرفه ای در هیچ جای دنیا سابقه ندارد.

نتیجه حراج های قبلی چرا بی ثمر بوده که الان شاهد این حجم از حجاب سکه هستیم؟

ما باید مبتنی بر یک منطقی اقتصاد خودمان را مدیریت کنیم. در منطق اقتصاد آزاد، حراج مسکن است نه درمان. یعنی اگر شما یک بسته پایدار برای تنظیم گری و رگولاتوری می خواهید باید یک بسته سیاست پولی و مالی قاعده مند و متناسب داشته باشید. بدین معنا که پولی سازی کسری بودجه را متوقف کنید، سقف کسری بودجه شفاف و راه تامین همه اینها مشخص باشد. متأسفانه نظام بودجه ریزی ما به دنبال تراز کردن بودجه است و هر جا جمعی خرجی آن را تراز می کنند، به عنوان مثال چند صد بشکه نفت اضافه می کنند و قیمتش را بالا می برند و بعد ادعا می کنند که بودجه تراز شده است. در حالی که به لحاظ ساختاری و ماهوی دارای کسری های بسیار وحشتناکی است که تعیین تکلیف هم نمی شود. از طرفی نرخ بهره حقیقی مثبت در بازار و منتقل شدن ریسک به اوراق دولتی منجر به ایجاد رکود عمیق در کشور شده است. سیاست های نابخردانه پولی که چند سال گذشته بانک مرکزی اتخاذ کرده و سیاست بسیار غلط کنترل ترازنامه که به هیچکدام از اهداف

یک کارشناس مسائل اقتصادی می گوید: حجاب سکه تابع سه پارامتر اصلی است: یکی انتظارات است که در نرخ ارز و تورم خود را نشان می دهد، دومی ریسک سیاسی و نااطمینانی است و سومین پارامتر هم محدودیت های کانال های نقل و انتقال ارزی واردات و سرمایه گذاری هاست که ما در این سه حوزه با چالش های جدی مواجه هستیم. اثر پیش فروش سکه می تواند روی گزینه اول و سوم قدری اثر بگذارد، اما ریسک های سیاسی و نااطمینانی را اصلاً پوشش نمی دهد؛ بنابراین اگر قیمت حراج زیر نرخ بازار تعیین شود، رانت آربیتراژ به وجود می آید و خود حراج یک نوع سوخت منابع به نفع سفته بازی است.

به گزارش روزنامه «صبح امروز» و به نقل از اقتصاد۲۴؛ بانک مرکزی در سال های اخیر بارها تلاش کرده است با اجرای سیاست هایی مانند حراج سکه، بازار طلا را کنترل کند و از شدت نوسانات قیمتی بکاهد. این سیاست ها معمولاً با هدف کاهش حباب قیمتی سکه، جذب نقدینگی سرگردان و ایجاد ثبات در بازار انجام می شوند؛ اما در عمل، بسیاری از کارشناسان اقتصادی معتقدند که این اقدامات نه تنها به هدف خود نرسیده اند، بلکه گاه به تشدید بی اعتمادی عمومی و افزایش تنش های بازار منجر شده اند.

حراج های سکه عملات نتوانسته اند تأثیر ملموسی بر کاهش قیمت ها یا کنترل حباب داشته باشند. یکی از دلایل اصلی این ناکارآمدی، عدم شفافیت در فرآیند عرضه، محدودیت در تعداد سکه های قابل خرید برای هر متقاضی و نبود سازوکار مشخص برای توزیع عادلانه است. در بسیاری از موارد، این حراج ها بیشتر به نفع واسطه ها و دلالان تمام شده اند تا مصرف کنندگان واقعی.

حسین راغفر، اقتصاددان و استاد دانشگاه الزهراء، در گفت و گویی با تجارت نیوز، حراج های سکه را اقدامی بی اثر در کاهش حباب قیمتی دانسته و تأکید کرده که هدف اصلی این سیاست ها، نه کنترل بازار بلکه تأمین کسری بودجه دولت است. او می گوید: دولت طلائی را که با ارز ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومان وارد کرده، با دلار ۱۳۰ هزار تومانی به مردم می فروشد؛ بنابراین مسأله فقط تأمین کسری بودجه دولت است که این تأمین را از طریق افزایش قیمت کالاهایی که وارد کرده انجام می دهد.

این دیدگاه نشان می دهد که حراج های سکه بیشتر جنبه نمادین و تبلیغاتی دارند تا اثرگذاری واقعی بر بازار. در واقع، وقتی سیاست گذار پولی به جای اصلاح ساختارهای اقتصادی، به اقدامات مقطعی و پرهزینه روی می آورد، نتیجه ای جز بی اعتمادی عمومی و تشدید نوسانات حاصل نمی شود.

از سوی دیگر، بازار طلا و سکه در ایران به شدت تحت تأثیر عوامل بیرونی مانند نرخ ارز، قیمت جهانی طلا و انتظارات سیاسی قرار دارد. در چنین فضایی، عرضه محدود چند هزار قطعه سکه نمی تواند نقش مؤثری در کنترل بازار ایفا کند. به ویژه زمانی که تقاضا در بازار ناشی از نگرانی های عمومی نسبت به آینده اقتصادی و سیاسی کشور است، سیاست هایی مانند حراج سکه بیشتر به عنوان مسکن موقت عمل می کنند تا درمان ریشه ای.

حتی اگر فرض کنیم که هدف بانک مرکزی از این حراج ها، کاهش حباب

اصلی اش نرسیده است، باعث می شود تعمیق رکود، پویایی بخش اقتصاد را از بین ببرد. از بین رفتن بخش تولید و صنعت نیز منجر به کاهش سایر درآمدهای دولت می شود؛ یعنی از محل اخذ مالیات و حقوق گمرکی شاهد کاهش وحشتناک خواهیم بود که سایر منابع بودجه را مخدوش و متزلزل می کند و منجر به عدم تحقق بودجه می شود.

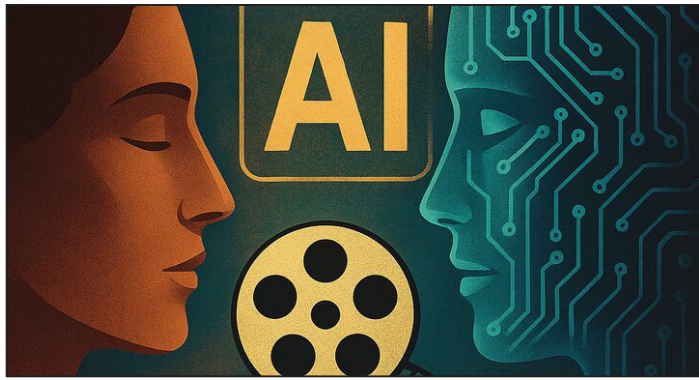
در حال حاضر شاهد هستیم که قطعی برق و جنگ ۱۲ روزه همه سیاست های پولی و مالی ما را با چالش مواجه کرده است، اما برای آن هیچ پاسخ مناسبی نمی بینم. شما در هیچ کشوری مشاهده نمی کنید که پنج سال سیاست انقباضی وحشتناک ادامه پیدا کند. ما پنج سال است که سیاست کنترل ترازنامه را ادامه می دهیم، اما آیا به اهدافش رسیده است؟ تورم را کنترل کرده است؟ باید پاسخ دهیم که خیر! متأسفانه بحران را تعمیق و ترکشش به سایر اجزای اقتصاد برخورد کرده است. از سوی دیگر ما سیاست های شفافیتی برای مقوله سیاست های ارزی ارز وجود ندارد و یک رانت خانه چند نفری در بازار ارز به وجود آورده ایم. به عنوان مثال ظرف سه سال گذشته قریب به هزار همت فقط اختلاف رانت ارز ترجیحی با بازار آزاد بوده است. این تقریباً ده درصد نقدینگی کل کشور است. چگونه می توانیم در چنین شرایطی که یک جیب سوراخ داریم، انتظار داشته باشیم پولش به درد روز مبادی ما بخورد؟

باین تفصیلات می توان گفت نظام ارزی غلط ما عملاً ابزار کنترل و هدف گذاری تورم را از دست سیاست گذار پولی کشور خارج می کند؛ بنابراین نمی تواند انتظارات را مهار کند چراکه قواعد منسجم و شفاف ارزی وجود ندارد و همه سلیقه ای، من درآوردی و پر از تبصره ها و موادی است که روزبه روز به آن اضافه می شود. از اختلاف بین تبصره ها هم میلیاردها دلار نصیب یک قشر خاص می شود.

بانک مرکزی چه ابزارهای دیگری را برای تنظیم بازار می تواند به کار گیرد؟ یک منطق غلطی درباره سکه در کشور ما وجود دارد که، چون مهریه از دیرباز به سکه ارتباط داشته متأسفانه یک بستر غلطی ایجاد کرده ایم و مهریه را به سکه گره زده ایم و برای آن هر روز مداخله می کنیم. در ابتدا باید بحث تعیین سکه برای مهریه تغییر کند و از طرف دیگر بانک مرکزی نباید مداخله داشته باشد.

راه جایگزین این است که به سمت توسعه ابزارهای جایگزین سکه مانند اوراق طلائی دولتی، صندوق های طلا، قراردادهای آتی و اختیار معامله برویم تا بتوانند تقاضاهای سفته بازانه و بازارهای کاغذی را به سمت خود هدایت کنند و با تعمیق آنها، بازارهای کم عمق، اما تعیین کننده قیمت را از دور خارج کنیم. برای این کار هم باید سیاست پولی و ارزی متناسب خودمان را داشته باشیم و دست از این سیاست های من درآوردی برداریم. تجربه همه کشورها نشان داده که این سیاست ها غلط است و آنها را تغییر دادند و همین باعث شکوفایی اقتصادشان شده است. از این رو باید این سیاست های غلط و تخریب کننده اقتصاد را کنار بگذاریم و با روی آوردن به مبانی اقتصاد آزاد بتوانیم بازارهایمان را به بلوغ کامل برسانیم.

آینده هنر زیر سایه الگوریتم‌ها خواهد بود؟



آیا هنر هنوز انسانی خواهد ماند یا ماشین‌ها به تدریج جای خالقان را خواهند گرفت؟

به گزارش روزنامه «صبح امروز» و به نقل از خبر آنلاین؛ در سال‌های اخیر، نفوذ روزافزون هوش مصنوعی به حوزه‌های مختلف فرهنگ و هنر، پرسش‌های جدی درباره آینده مشاغل خلاق و سنتی ایجاد کرده است. از تولید تصویر و صدا در سینما گرفته تا ترجمه و نشر کتاب، فناوری‌های هوشمند با سرعتی شگفت‌انگیز در حال تغییر روش‌های کار و تولید محتوا هستند.

برای بررسی اثرات این تحولات، ما مجموعه‌ای از گفت‌وگوها را با چهره‌های مختلف حوزه فرهنگ و فناوری انجام دادیم؛ از فعالان و منتقدان سینما، ناشران و مترجمان گرفته تا کارشناسان هوش مصنوعی و پژوهشگران فناوری. هدف این بود که تصویری جامع و واقع‌گرایانه از چالش‌ها، فرصت‌ها و نگرانی‌های پیش روی حرفه‌های خلاق به دست آوریم. نتایج این گفت‌وگوها نشان می‌دهد که هوش مصنوعی نه تنها سرعت و دسترسی به محتوا را افزایش می‌دهد، بلکه پرسش‌هایی بنیادین درباره خلاقیت انسانی، کیفیت آثار، و جایگاه حرفه‌های کسانی که سال‌ها بر دانش و تجربه خود تکیه کرده‌اند، مطرح کرده است. این گزارش تلاش دارد با نگاهی تحلیلی و مقایسه‌ای، ابعاد مختلف این موضوع را از زبان افراد درگیر در این حوزه‌ها ارائه کند و آینده‌ای احتمالی برای سینما، نشر و ترجمه ترسیم نماید.

ورود هوش مصنوعی به صنعت ترجمه؛ ترسناک و نگران‌کننده؟

پس از ورود جدی هوش مصنوعی به دنیای ترجمه، پرسش اصلی برای ناشران، مترجمان و مخاطبان این است: آیا ماشین‌ها می‌توانند جای خلاقیت انسانی را بگیرند یا ترجمه همچنان نیازمند دست و ذهن انسان خواهد بود؟ در این رابطه ابتدا گفت‌وگوهایی با مدیران دو نشر معتبر کشور، یعنی نشر ثالث و نشر هیرمند انجام دادیم که آن‌ها را مرور کرده‌ایم.

هوش مصنوعی، واقعیتی اجتناب‌ناپذیر

محمدعلی جعفری، مدیرعامل انتشارات ثالث، با نگاهی محتاطانه تأکید می‌کند: «هوش مصنوعی نمی‌تواند جای خلاقیت مترجم انسانی را بگیرد.» او می‌گوید حضور ویراستار حرفه‌ای برای اصلاح و بازآفرینی متن ضروری است و ابزار ماشینی بدون نظارت می‌تواند به کاهش کیفیت ترجمه و حتی بدنامی آثار منجر شود.

جعفری همچنین بر نبود قانون‌گذاری در این حوزه تأکید دارد و هشدار می‌دهد که ناشران کتاب‌ساز ممکن است بدون چارچوب مناسب، از هوش مصنوعی سوءاستفاده کنند.

در سوی دیگر، سیاوش باقرزاده، مدیرعامل نشر هیرمند، نگاه مثبت‌تری به هوش مصنوعی دارد. او معتقد است این فناوری تهدیدی برای خلاقیت مترجمان نیست و می‌تواند دسترسی مخاطبان به آثار جهانی را سرعت بخشد. به گفته او، مصرف‌کننده برنده اصلی خواهد بود، اما قوانین مشخص برای جلوگیری از سوءاستفاده ضروری است. گفت‌وگو با این دو مدیر نشان می‌دهد که نگرش در برابر هوش مصنوعی را نشأت می‌دهد. نگرش اول، تمرکز بر خطر حذف خلاقیت انسانی و نیاز به نظارت قانونی است. نگرش دوم، تأکید بر فرصت‌های دسترسی سریع‌تر و تکمیل نقش مترجم توسط ماشین است.

با این حال، هر دو بر یک نکته توافق دارند: قانون‌گذاری شفاف و نظارت دقیق، کلید حفظ تعادل میان سرعت، کیفیت و خلاقیت در ترجمه است. در نهایت، پرسش اصلی همچنان پابرجاست: آیا می‌توان تلفیقی از سرعت ماشین و ظرافت انسانی در ترجمه داشت؟ انتخاب میان واژه‌های زاده‌ی دل و خروجی‌های خطی پردازشگرها همچنان در مرکز چالش‌های ادبی قرار دارد.

مترجمان چه نظری دارند؟

پس از بررسی دیدگاه مدیران نشر درباره هوش مصنوعی و ترجمه، ما تصمیم گرفتیم مستقیم به سراغ کسانی برویم که هر روز با این ابزارها

چالش‌ها؛ تحریم، مهاجرت و نبود زیرساخت

تحریم‌ها و محدودیت‌های قانونی و دسترسی، مهاجرت نیروهای متخصص و نبود زیرساخت‌های پردازشی، مهم‌ترین موانع توسعه هوش مصنوعی در سینمای ایران هستند. با وجود این، خوش‌رفتار منفرد معتقد است امکان پیشبرد توسعه داخلی وجود دارد: «ما می‌توانیم ابزار بسازیم و مسیر توسعه را در کشور ادامه دهیم، اما نیازمند برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری زیرساختی هستیم.»

آینده هوش مصنوعی در سینما

او چشم‌انداز آینده را روشن می‌بیند. او معتقد است آینده‌ای بدون هوش مصنوعی تصور نیست. اما کیفیت استفاده از ابزارها، مهارت تیم‌ها و آموزش حرفه‌ای تعیین‌کننده موفقیت خواهد بود. موج فعلی استفاده عادی از ابزارها شاید هنرمندان می‌گذارد، بلکه برخی از پایه‌های تولید هنری را نیز دستخوش تغییر کرده است.

از بازسازی چهره و صدا تا تولید کامل یک انیمیشن یا جلوه‌های ویژه‌ی پیچیده، هوش مصنوعی حالا در بسیاری از کشورها بخشی جدایی‌ناپذیر از چرخه تولید آثار سینمایی شده است؛ هرچند سرعت و شدت این ورود، بسته به شرایط هر کشور متفاوت است. در ایران، همزمان با نگاه‌های تردیدآمیز و مقاومت برخی نهادها، جریان‌های جسورانه‌ای نیز در حال شکل‌گیری است؛ نمونه‌ای بارز آن پروژه سینمایی «موسی کلیم‌الله» به کارگردانی ابراهیم حاتمی‌کیا است که برای اولین بار، استفاده جدی از هوش مصنوعی را در یک اثر بلند سینمایی تجربه و به نمایش گذاشت.

انزار کمکی؛ نه جایگزین انسان!

پس از حسین خوش‌رفتار گفتگویی با عباس رافعی، کارگردان و فیلم‌نامه‌نویس داشتیم که طرز فکرش نسبت به هوش مصنوعی در سینما تا حد زیادی متعادل و واقع‌بینانه است و تفاوت‌های ظریفی با حسین خوش‌رفتار منفرد دارد.

رافعی هوش مصنوعی را ابزاری کمکی می‌داند؛ چیزی که می‌تواند مسیر داستان و کار تدوین را بهبود دهد و گزینه‌های بیشتری برای خلق اثر در اختیار سینماگران بگذارد، اما هرگز جایگزین خلاقیت و نگاه انسانی نمی‌شود. او تأکید دارد که احساس و درک انسانی، خصوصاً در حوزه‌های احساسی و بازیگری، بخش جدایی‌ناپذیر سینماست و هیچ الگوریتمی نمی‌تواند آن را کاملاً شبیه‌سازی کند.

در مقایسه با حسین خوش‌رفتار، می‌توان گفت هر دو نگاه به هوش مصنوعی را مثبت می‌بینند و بر ضرورت ورود به مسیر توسعه ابزارهای بومی تأکید دارند، اما زاویه تمرکزشان متفاوت است:

خوش‌رفتار بیشتر روی جنبه فنی و توسعه «کانسپوری» یا مصرف‌کننده و لاین «دولوپ» یا توسعه. در لاین مصرف، ابزارهای آماده در دسترس هستند و نیاز به تخصص عمیق هوش مصنوعی کمتر است؛ کافی‌ست کاربر با ابزارهای تصویرگری و جلوه‌های ویژه آشنا باشد. این مسیر دسترسی آسان دارد اما آسیب آن وابستگی به سرویس‌های خارجی و ریسک انتشار غیرمجاز تصاویر است.

در مقابل، لاین توسعه، نیازمند متخصصین واقعی هوش مصنوعی است که بتوانند ابزارهای سفارشی و پیشرفته بسازند. این مسیر هزینه، زمان و نیروی انسانی بیشتری می‌طلبد اما امکان خلق اثرهای منحصربه‌فرد و امن را فراهم می‌کند. خوش‌رفتار منفرد تأکید دارد که در ایران هنوز عمده تمرکز بر لاین مصرف است و گسترش لاین توسعه، مسیر منطقی برای رشد واقعی است.

دو لاین هوش مصنوعی در سینما؛ مصرف و توسعه

خوش‌رفتار منفرد توضیح می‌دهد که استفاده از هوش مصنوعی در سینما دو جنبه دارد: لاین «کانسپوری» یا مصرف‌کننده و لاین «دولوپ» یا توسعه. در لاین مصرف، ابزارهای آماده در دسترس هستند و نیاز به تخصص عمیق هوش مصنوعی کمتر است؛ کافی‌ست کاربر با ابزارهای تصویرگری و جلوه‌های ویژه آشنا باشد. این مسیر دسترسی آسان دارد اما آسیب آن وابستگی به سرویس‌های خارجی و ریسک انتشار غیرمجاز تصاویر است.

در مقابل، لاین توسعه، نیازمند متخصصین واقعی هوش مصنوعی است که بتوانند ابزارهای سفارشی و پیشرفته بسازند. این مسیر هزینه، زمان و نیروی انسانی بیشتری می‌طلبد اما امکان خلق اثرهای منحصربه‌فرد و امن را فراهم می‌کند. خوش‌رفتار منفرد تأکید دارد که در ایران هنوز عمده تمرکز بر لاین مصرف است و گسترش لاین توسعه، مسیر منطقی برای رشد واقعی است.

مقاومت بدنه سنتی و جسارت پروژه

او درباره فرهنگ‌سازی استفاده از هوش مصنوعی در سینما توضیح می‌دهد که وقتی فناوری جدیدی وارد هر حوزه‌ای می‌شود، مقاومت وجود دارد؛ حتی وقتی مزایای آن واضح است. در سینما هم همین اتفاق رخ می‌دهد. او ذکر کرد: «پروژه «موسی کلیم‌الله» نمونه‌ای از مواجهه با این مقاومت بود؛ جایی که تیم تولید باید ابزارهای موجود را کنار گذاشته و ابزارهای اختصاصی خود را توسعه می‌داد.»

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای پروژه، بازسازی چهره نوزاد و خلق بازی احساسی او با هوش مصنوعی بود؛ صحنه‌ای که مادر حضرت موسی نوزاد را در رودخانه رها می‌کند و لیخند زدن او نقطه اوج فیلم شد. خوش‌رفتار منفرد می‌گوید: «اگر توانستیم این احساس را منتقل کنیم، یعنی کارمان درست انجام شده است.»

کار می‌کنند: مترجمان. در ادامه، گفت‌وگوهایی با سهیل سمی و کیهان بهمنی انجام شد تا از زاویه‌های انسانی، حرفه‌ای و واقع‌گرایانه، تأثیر هوش مصنوعی بر ترجمه و جایگاه مترجم انسانی را بررسی کنیم.

سهیل سمی تأکید می‌کند که هوش مصنوعی ترجمه انسانی را به کالایی لوکس تبدیل خواهد کرد. این ابزارها می‌توانند به سرعت ترجمه‌های قابل قبول تولید کنند و جایگزین بسیاری از کارهای روتین مترجمان شوند، اما هنوز خلاقیت و سبک شخصی مترجمان انسانی اهمیت خود را حفظ می‌کند.

سمی معتقد است، با پیشرفت هوش مصنوعی، پرسش اصلی این است که آیا ناشران و مخاطبان به تفاوت‌ها و ظرافت‌های انسانی ترجمه نیاز خواهند داشت یا خیر. ترجمه انسانی ممکن است به جای یک ضرورت، به یک ارزش فرهنگی و لوکس بدل شود.

هم‌چنین او ذکر کرد، اگرچه هوش مصنوعی توانایی انجام ترجمه‌های دقیق و سریع را دارد، اما ویراستار انسانی هنوز برای اصلاح جزئیات ضروری است. این نشان می‌دهد که ترکیب هوش مصنوعی و دخالت انسان می‌تواند بهترین تعادل میان سرعت، کیفیت و ظرافت باشد.

سهیل سمی به تغییر مفهوم «هوش» و «خلاقیت» اشاره دارد و هشدار می‌دهد که آینده‌ای بدون مقاومتی موثر در برابر تکنولوژی در راه است. مرز میان مصنوعی و طبیعی، انسانی و ماشینی، در حال محو شدن است.

این مترجم باسابقه معتقد است در برابر پیشرفت هوش مصنوعی، قوانین و سازوکارهای قانونی برای حمایت از مترجمان و نویسندگان ایران عقب‌تر از استانداردهای بین‌المللی هستند. البته حتی اعتراض‌ها در سطح جهانی ممکن است نتوانند جایگاه مترجمان را تضمین کنند.

کیهان بهمنی نیز تأکید می‌کند که هوش مصنوعی در متون غیرادبی، حقوقی، سیاسی و اقتصادی به‌زودی جای مترجم انسانی را می‌گیرد و عامل انسانی حذف می‌شود. تنها در متون ادبی هنوز نیاز به حضور مترجم و ویراستار انسانی برای بازسازی و ویرایش وجود دارد.

خلاقیت مترجم انسانی در متون ادبی محدود و کمیاب است، اما سبک نگارش و تفاوت‌های بین نویسندگان مختلف اهمیت دارد. با این حال، بهمنی معتقد است که هوش مصنوعی در آینده با قدرت و سرعت کافی می‌تواند به این سطح برسد. با پیشرفت هوش مصنوعی، رقابت بین ناشران برای ترجمه و انتشار آثار کاهش می‌یابد و احتمال انتشار چند ترجمه متفاوت از یک اثر باعث آشفتنگی در بازار نشر خواهد شد.

کیهان بهمنی اشاره می‌کند، در ایران، کمبود انجمن صنفی و قوانین حمایت‌کننده باعث می‌شود مترجمان نتوانند در برابر هوش مصنوعی و نقض حقوق خود واکنش مؤثری نشان دهند. این در حالی است که حتی اعتراض‌ها در کشورهای دیگر نیز اغلب نتیجه‌ی محدودی دارند. بهمنی تأکید می‌کند که درآمد مترجمان کاهش یافته و انگیزه اقتصادی برای ادامه کار به شدت کاهش یافته است. علاوه بر بعد اقتصادی، بعد اجتماعی و اعتباری حرفه نیز تحت تأثیر قرار گرفته است.

هوش مصنوعی در سینمای ایران

در سال‌های اخیر، بحث استفاده از هوش

در حال حاضر هم چنین سوءاستفاده‌هایی رخ داده و چون قانون مشخصی نیست، افراد نمی‌توانند از حقوق خود دفاع کنند / نیاز به تصویب قوانین درست و ایجاد شرایط مناسب احساس می‌شود.» تنهایی عقیده دارد مانند بسیاری از مشاغل دیگر که با هوش مصنوعی متحول شده‌اند، دوبله نیز تحت تأثیر قرار گرفته. اما برخلاف حوزه‌هایی که این تحول می‌تواند مثبت باشد، در دوبله بیشتر جنبه منفی دارد و تدوین قوانین مشخص ضروری است تا گویندگان بتوانند از حقوق خود محافظت کنند. محمد تنهایی نگرانی خود را حول محور حفظ حقوق گویندگان و جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی بیان می‌کند. او ورود هوش مصنوعی را یک واقعیت غیرقابل انکار می‌داند، اما تأکید دارد که بدون چارچوب قانونی مناسب، این فناوری می‌تواند تهدیدی برای اصالت و کیفیت آثار دوبله باشد. نگاه او محافظه‌کارانه و واقع‌بینانه است و بر تفاوت میان فرصت‌های فنی و تهدیدهای اجتماعی-حقوقی تمرکز دارد.

حقوق حرفه‌ای یا روح هنر؟

سعید شیخ‌زاده هوش مصنوعی را از منظر هنری نقد می‌کند و بر اهمیت روح و احساس انسانی در آثار دوبله تأکید دارد. از نگاه او، بازسازی صداهای هنرمندان فقید ممکن است از نظر فنی جذاب به‌نظر برسد، اما هنر فراتر از بازتولید مکانیکی است، هنر باید از دل و احساس انسان برخاسته باشد، نه محصولی ماشینی و بی‌روح؛ حتی تماشاگران عادی، تصنیف بودن اثر ماشینی را ناخودآگاه حس می‌کنند.

او همچنین هشدار می‌دهد که استفاده صرف از هوش مصنوعی برای بازسازی صداهای در گذشته می‌تواند چرخه طبیعی بازار و انتقال تجربه به نسل جدید را مختل کند. این رویکرد نوعی انحصار و خساست به حساب می‌آید که در طول تاریخ مغفور بوده است. در عین حال، او امکان بهره‌گیری از هوش مصنوعی برای بهبود کیفیت و سرعت کارها را قبول دارد، اما تأکید دارد که هیچ ماشینی نمی‌تواند جایگزین انسان و روح اثر هنری شود؛ هوش مصنوعی می‌تواند در خدمت انسان باشد، اما هرگز جایگزین کامل آن نیست.

اگر محمد تنهایی نگرانی اصلی‌اش را حول حفظ حقوق قانونی و کنترل سوءاستفاده از هوش مصنوعی در دوبله قرار می‌دهد و آن را بیشتر یک ابزار کمکی می‌داند که در نبود چارچوب قانونی می‌تواند تهدیدی باشد، دیدگاه سعید شیخ‌زاده کاملاً بر جنبه انسانی و هنری تمرکز دارد. او ورود هوش مصنوعی را از منظر تکنیک نمی‌سنجد، بلکه آن را با معیارهای احساسی و اخلاقی قضاوت می‌کند. به‌طور خلاصه، تنهایی نگاه واقع‌بینانه و محافظه‌کارانه دارد و روی قواعد و امنیت حرفه‌ای تمرکز می‌کند، در حالی که شیخ‌زاده نگاه فلسفی و هنری دارد و بر اهمیت اصالت و حس انسانی در دوبله تأکید می‌کند.

نتایج این مجموعه گفت‌وگوها نشان می‌دهد که هوش مصنوعی هم فرصتی کم‌نظیر برای افزایش سرعت، دقت و تنوع در تولید آثار فرهنگی است و هم تهدیدی جدی برای خلاقیت، اصالت و جایگاه حرفه‌ای انسان‌ها.

در سینما، نگاه فنی و توسعه‌محور مانند حسین خوش‌رفتار منفرد، بر اهمیت زیرساخت و ابزارهای بومی تأکید دارد، در حالی که عباس رافعی دیدگاهی هنری و انسان‌محور دارد و ابزار را تنها کمکی برای خلاقیت می‌داند.

در دوبله، محمد تنهایی نگران حقوق قانونی و سوءاستفاده‌های احتمالی است، اما سعید شیخ‌زاده روی روح و حس انسانی در هنر تأکید دارد و جایگزینی ماشینی آن را غیرممکن می‌داند.

در حوزه ترجمه، سهیل سمی و کیهان بهمنی هشدار می‌دهند که هوش مصنوعی می‌تواند بسیاری از کارهای روتین را جایگزین کند و ارزش ترجمه انسانی را به یک کالای لوکس تبدیل نماید. در عین حال، دخالت مترجم و ویراستار انسانی هنوز برای بازسازی دقیق، حفظ خلاقیت و سبک شخصی آثار ضروری است. نبود قوانین حمایتی و سازوکار قانونی، تهدیدی جدی برای جایگاه اجتماعی و اقتصادی مترجمان ایجاد کرده است.

پدیده تعدیل گسترده کارگران

عضو پیشین کمیته دستمزد شورای عالی کار معتقد است، میدری پیش از این یک تئوریسین بود ولی امروز به نظر می‌رسد در اجرای نظریه‌اش در عمل، دچار مشکل شده و ناتوان است.

به گزارش روزنامه «صبح امروز» و به نقل از خبرآنلاین؛ جنگ ۱۲ روزه موجب افزایش چشمگیر نرخ تورم شده است به نحوی که در گزارشهای مربوط به تورم مرکز آمار به سرعت این جهش قیمتی خود را نشان داد. گزارشهای رسمی نشان می‌دهند که بیشترین فشار تورمی بر اقلامی است که مستقیماً میشت خانوار را دستخوش چالش می‌کند. در تورم پس از جنگ ۱۲ روزه نیز شواهد از پشیمانی تورم خوراکی‌ها خبر می‌دهند. این در حالی است که یک گزارش بازوی پژوهشی مجلس هم نشان می‌دهد که بیش از نیمی از هزینه‌های یک خانواده در پایتخت صرف تامین سرپناه می‌شود. برآوردها نشان می‌دهد حدود ۹۰ درصد هزینه خانوارهای متوسط و فرودست صرف تهیه مسکن و خوراک می‌شود و در عمل هزینه‌های بهداشتی، فرهنگی و آموزشی قربانی شده‌اند.

در این شرایط برخی از فعالان کارگری ابراز امیدواری کرده بودند که در اولین جلسه شورای عالی کار موضوع ترمیم دستمزد مورد بحث قرار بگیرد. این صحبتها خیلی زود با واکنش منفی احمد میدری، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی مواجه شد که هر گونه افزایش حداقل دستمزد را رد کرد. به این ترتیب کارگران متوجه شدند که هر چه نسبت به دولت پیش تغییر کرده باشد، مقاومت در ترمیم دستمزد میان دولت و اصلاح طلب فعلی با دولت اصولگرایی پیشین یا



دولت میانه‌روی پیش از آن، فرقی نکرده و هیچ کدام از این جناحهای رسمی به این خواسته روی خوش نشان نخواهند داد.

فرامرز توفیقی، نماینده پیشین کارگران در کمیته دستمزد شورای عالی کار، با اشاره به جنگ اخیر به خبرآنلاین گفت: هر جا مصیبتی به وجود بیاید، طبقه کارگر بیش از هر بخش دیگری هزینه آن را می‌دهد و متعاقباً جنگ نیز به عنوان یک مصیبت بزرگ بیش از هر قشر یا طبقه‌ای، به زبان کارگران تمام می‌شود. در این ۱۲ روز جنگ اخیر، نشانه‌هایی گوناگونی در صحت این گزاره وجود دارد.

او با اشاره به تبلیغات رسمی خاطر نشان ساخت در شرایطی که کارمندان را به مسافرت رفتند، کارگران تشویق به حفظ سنگر و حتی کار بیشتر می‌شدند تا نیازهای کشور بدون

سادگی عبور کرد چرا که نبود امنیت و احساس آن حتماً جامعه را دچار مشکل می‌کند.

عملکرد وزارت کار چقدر موفق بوده است؟ این نماینده پیشین کارگری در کمیته دستمزد پاسخ داد: فکر می‌کنم در کشور وظایف حکومتی به طور کلی فراموش شده است. همین امروز که با هم صحبت نمی‌کنیم، من از یک اقدام مشخص تنها وزارتخانه متولی رفاه عمومی نمی‌توانم نام ببرم که با توجه به وضعیت دشوار کشور، مفید بوده باشد. می‌خواهم با را فراتر بگذارم و ادعا کنم اگر کل وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی هم منحل شود، من بعید می‌دانم در وضعیت فعلی تأثیر چندانی داشته باشد.

وی با یادآوری عملکرد سازمان‌های زیرمجموعه وزارت کار، به بهزیستی اشاره کرد و افزود: هم اکنون گفته می‌شود سازمان بهزیستی چند هزار میلیارد تومان به خانواده‌های تحت پوشش این سازمان بدهکار است، درست مانند سازمان تامین اجتماعی. در کنار این موارد می‌توانیم به صندوق رو به ورشکستگی تامین اجتماعی هم اشاره کنیم که بنا بود صندوقی غیر انتفاعی و بین نسلی باشد اما با سوء مدیریت توان عمل به تعهداتش نیز از دست رفته است.

توفیقی گفت: هنگامی که یک سازمان به تعهدات و وظایفش عمل نمی‌کند دیگر تبدیل به یک نهاد بودجه خوار می‌شود، مشابه وضعیت فعلی وزارت کار. در روزهایی که جنگ فشاری حداکثری به معیشت عموم و به طور خاص کارگران آورده، وزارت کار در انفعال قرار دارد.

مشکل تامین شون.

این فعال کارگری ادامه داد: همه تبعات جنگ مستقیم نیستند. هنگامی که تنش‌های نظامی به مرحله جنگ می‌رسد، نگرانی از کمبود کالاهای اساسی هم بالاتر می‌رود و خانواده‌ها را سمت تهیه و انبار کردن آذوقه سوق می‌دهد. وقتی مردم به سمت فروشگاه‌ها یا سوپرمارکتها هجوم می‌آورند که به افزایش تقاضا و متعاقب آن قیمت‌ها منجر می‌شود. این میان هر چه قدرت خرید کمتر باشد، هم کالای کمتری گیر آن فرد می‌آید و هم فشار تورمی جانکاه‌تر می‌شود، مشابه وضعیتی که طبقه کارگر به آن دچار شد.

توفیقی با اشاره به ابعاد مشکلاتی که جنگ ایجاد می‌کند تأکید کرد از فشار روانی و وحشتناکی که جنگها به وجود می‌آورند نباید به

بحران‌های اجتماعی در سایه ناکارآمدی یارانه نقدی



ادامه یا توقف اجرای طرح یارانه نقدی؛ مساله این است!

طرح یارانه نقدی با وعده بهبود معیشت مردم به اجرا در آمد اما در نهایت به اینجا رسید که دولت مجبور است یارانه تعداد قابل توجهی از افراد را قطع کند. در این بین اما به دلیل اطلاعات اشتباه مالی حذف از لیست یارانه نقدی نیز با مشکلات بسیاری همراه است.

حالا بعد از گذشت نزدیک به ۱۴ سال بحث بر سر ادامه اجرای این طرح یا متوقف کردن آن بار دیگر به موضوعی مورد بحث تبدیل شده است. اما مساله اینجاست که ادامه یا توقف این طرح علاوه بر پیامدهای اقتصادی چه پیامدهای اجتماعی برای جامعه به همراه خواهد داشت.

یارانه یا افزایش افسارگسیخته تورم؟ عملاً هیچ مشکلی را در معیشت افراد حل نمی‌کند!

خسرو دهقان، کارشناس رفاه اجتماعی، در این باره می‌گوید: کارگران امروز نه تنها از تأمین نیازهای اساسی خود ناتوان شده‌اند، بلکه حتی در زمینه خوراک هم دچار محدودیت جدی هستند. همین نبود امنیت معیشتی باعث می‌شود تا افراد با بحران‌های روحی و روانی بسیاری مواجه شوند که یکی از پیامدهای اجتماعی ناکارآمدی طرح پرداخت یارانه نقدی است.

او می‌افزاید: زمانی پرداخت همین یارانه نقدی باعث می‌شد تا خانواده‌های روستایی با استفاده از آن هزینه‌های زندگی‌شان را تأمین

نقدی در تأمین رفاه خانواده‌های کارگری پیامدهای اجتماعی گسترده‌ای به دنبال داشته است. یکی از عمده پیامدهای آن افزایش فاصله طبقاتی است. حتی با وجود پرداخت یارانه شفاف میان طبقات مرفه و کارگر عمیق‌تر شده است.

این کارشناس رفاه اجتماعی ادامه می‌دهد: از طرف دیگر این مساله باعث افزایش پنهان فقر در جامعه شده چرا که الان سرپرست یک خانواده کارگری برای تأمین معیشت خود مجبور است سفته‌های طولانی کار کند

و یا چند شیفت متوالی داشته باشد.

یارانه نقدی نباید به تدریج حذف و منابع آن صرف خدمات عمومی مانند بیمه سلامت، آموزش رایگان و مسکن کارگری شود!

دهقان اظهار می‌دارد: فشار اقتصادی تأثیر به‌سزایی بر سلامت روان افراد داشته و آنها را به دام افسردگی، استرس و... می‌اندازد و این مسائلی می‌تواند سلامت روان جامعه را با اختلال مواجه کند. بنا به همین دلایل بهترین راهکار این است که یارانه نقدی به تدریج حذف شود و منابع آن صرف خدمات عمومی مانند بیمه سلامت، آموزش رایگان و مسکن کارگری شود. این سیاست‌ها می‌توانند اثر بلندمدت و پایدارتری نسبت به پرداخت پول نقد داشته باشند.

پرداخت بدون پشتوانه یارانه نقدی موجب افزایش نقدینگی و در نتیجه تورم شد!

این کارشناس رفاه اجتماعی در بخش

دیگری از سخنان خود به مشکلات ساختاری یارانه نقدی اشاره کرده و می‌گوید: یارانه نقدی به چند دلیل نتوانست به هدف اولیه خود برسد. دلیل اول تورمزاد بودن طرح پرداخت یارانه نقدی بود. در واقع این پرداخت بدون پشتوانه تولیدی موجب افزایش نقدینگی و در نتیجه تورم شد و هر بار دولت منابع بیشتری را صرف یارانه نقدی کرد، به دلیل افزایش قیمت‌ها عملاً اثر یارانه خنثی شد. همین مساله نوعی سرخوردگی اجتماعی را به دنبال داشت. او می‌افزاید: از طرف دیگر ثابت ماندن مبلغ یارانه در برابر رشد هزینه‌ها باعث شد قدرت خرید با استفاده از آن به نزدیک صفر برسد و به این ترتیب ارزش یارانه در زندگی مردم بی‌اثر شد.

هدف‌گذاری صورت گرفته برای پرداخت یارانه از ابتدا اشتباه بود!

خسرو دهقان با اشاره به اینکه هدف‌گذاری صورت گرفته برای پرداخت یارانه از ابتدا اشتباه بود می‌گوید: یارانه نقدی به‌جای اینکه صرفاً به دهک‌های پایین داده شود، به تمام جمعیت تعلق گرفت و منابع کشور را هدر داد. همچنین دولت‌ها با استناد به پرداخت یارانه، از افزایش واقعی دستمزد یا توسعه خدمات عمومی (مثل بیمه درمانی یا آموزش رایگان) شانه خالی کردند.

یارانه نقدی در بلندمدت مانع اصلاحات بنیادی در اقتصاد شد!

او می‌افزاید: یارانه نقدی اگرچه در کوتاه‌مدت نوعی رضایت عمومی ایجاد کرد، اما در بلندمدت مانع اصلاحات بنیادی در اقتصاد شد. امروز خانواده‌های کارگری همچنان با مشکلاتی مانند مسکن، درمان و آموزش دست‌به‌گریبان‌اند و یارانه نقدی هیچ‌گاه نتوانست بار این مشکلات را سبک کند.

